



تحلیل نقش روایت‌های سیاسی در برساخت امنیت ادراکی در ج.ا.ایران

حسین ابراهیمی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل نقش روایت‌های سیاسی در تولید، تقویت یا تضعیف امنیت اجتماعی و ملی در ج.ا.ایران طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ انجام شد. با اتخاذ رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل روایی-گفتمانی، مجموعاً ۴۵ متن سیاسی، رسانه‌ای و رسمی که به‌طور مستقیم به موضوع امنیت و تهدید اشاره داشتند، به‌صورت هدفمند انتخاب و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. فرایند تحلیل شامل سه مرحله بود، کدگذاری باز و استخراج ۵۵ کد اولیه، کدگذاری محوری و استخراج ۹ مقوله محوری و کدگذاری انتخابی که در نهایت به شناسایی هسته معنایی هژمونی امنیت منجر شد. یافته‌ها نشان می‌دهد روایت‌های سیاسی از طریق سه سازوکار کلیدی شامل: (۱) چارچوب‌بندی تهدید با برجسته‌سازی مفاهیمی چون تهدید ترکیبی، نفوذ و جنگ ادراکی؛ (۲) دوگانه‌سازی هویتی میان «ما/دیگران» و «نظم/آشوب»؛ و (۳) مشروعیت‌بخشی کنش امنیتی از طریق القای ضرورت اقدام فوری، نقش مهمی در شکل‌دهی ادراک امنیتی جامعه ایفا می‌کنند. همچنین شکاف میان روایت رسمی و روایت‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تضعیف امنیت ادراکی و کاهش انسجام اجتماعی شناسایی شد. بر اساس نتایج، امنیت در ج.ا.ایران بیش از آنکه محصول شرایط مادی باشد، برآمده از فرایندهای روایی و رقابت گفتمانی است. در پایان پیشنهاد می‌شود با تقویت هم‌راستایی روایی، ارتقای سواد رسانه‌ای و اصلاح شیوه‌های ارتباطی در شرایط بحران، پایداری امنیت ادراکی جامعه افزایش یابد.

واژگان کلیدی:

روایت‌های سیاسی، امنیت ادراکی، چارچوب‌بندی تهدید، دوگانه‌سازی هویتی، مشروعیت‌بخشی امنیتی، گفتمان امنیت

۱. دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشکده علوم و فنون فارابی (h.ebrahimi91@yahoo.com)

مقدمه

در جهان معاصر که سیاست بیش از هر زمان دیگر از طریق رسانه‌ها، نمادها و روایت‌ها صورت‌بندی می‌شود، امنیت نیز در قالبی نوین بازتعریف شده است؛ امنیتی که کمتر به «توان مادی» دولت‌ها و بیشتر به «توان معنا ساز» آن‌ها وابسته است. اگر امنیت در گذشته مفهومی سخت‌افزاری، نظامی و فیزیکی تلقی می‌شد، در دوره کنونی به مفهومی نرم‌افزاری و ادراکی تبدیل شده است؛ مفهومی که در ذهن شهروندان شکل می‌گیرد و به واسطه‌ی روایت‌های سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی تقویت یا تضعیف می‌شود. از همین منظر است که دولت‌ها و گروه‌های سیاسی نه فقط بازیگران قدرت، بلکه بازیگران روایت محسوب می‌شوند؛ زیرا روایت‌ها ابزارهایی هستند که تهدیدات را برجسته یا پنهان می‌کنند، مشروعیت را تثبیت یا فرسوده می‌سازند، و احساس امنیت را در لایه‌های مختلف جامعه تولید یا تخریب می‌کنند (Hansen, 2006: 45).

ظهور شبکه‌های اجتماعی، گسترش هوش مصنوعی مولد محتوا، تنوع منابع خبری و گسترش عملیات ادراکی بین‌المللی موجب شده است که رقابت سیاسی بر سر «تملک روایت» شکل گیرد. اکنون روایت‌ها می‌توانند در چند ساعت احساسات جمعی را تغییر دهند، بحران‌های ادراکی ایجاد کنند یا برعکس، آرامش روانی و انسجام اجتماعی پدید آورند (Wodak, 2015: 76). در این فضا، دولت‌ها و بازیگران سیاسی تنها تولیدکننده قدرت نیستند بلکه تولیدکننده روایت نیز هستند، روایتی که می‌تواند تهدید را برجسته یا پنهان کند، مشروعیت را تقویت یا کاهش دهد و به طور مستقیم احساس امنیت یا ناامنی در جامعه را شکل دهد. بنابراین، فهم رابطه میان روایت‌های سیاسی و امنیت ملی در بعد اجتماعی نه تنها یک پژوهش نظری، بلکه ضرورتی عملی برای سیاست‌گذاری امنیتی است.

با وجود گسترش مباحثی مانند امنیت نرم، امنیت ادراکی و امنیت اجتماعی، هنوز بررسی دقیق سازوکارهای روایت‌های سیاسی در ایجاد یا تضعیف امنیت به عنوان یک مفهوم مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مسئله اصلی این است که روایت‌ها چگونه با سازمان‌دهی معانی، احساسات و ادراکات مشترک، می‌توانند امنیت را در سطح جامعه شکل دهند؟ برای مثال، یک روایت سیاسی ممکن است تهدیدی کوچک را

بزرگ‌نمایی نموده و احساس ناامنی ایجاد کند، یا برعکس با ارائه تفسیر آرام‌بخش، از تشدید بحران جلوگیری کند. همچنین ممکن است تضاد روایت‌ها میان دولت، نخبگان و افکار عمومی موجب شکاف ادراکی و تضعیف سرمایه اجتماعی شود، که خود به نوعی ناامنی سیاسی و اجتماعی منجر می‌گردد.

مسئله عمیق‌تر آن است که در دوران معاصر، امنیت نه از طریق کنترل فیزیکی، بلکه از طریق کنترل روایت تحقق می‌یابد. یعنی بازیگران سیاسی از طریق چارچوب‌بندی معنایی بحران‌ها، انتخاب گزاره‌های کلیدی، روایت‌سازی از تهدیدات، و برجسته‌سازی احساسات جمعی، امنیت را بازتعریف می‌کنند. اما این فرآیند هنوز از نظر نظری و تجربی به‌طور نظام‌مند تحلیل نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد سازوکارهای امنیت روایی را آشکار کرده و نشان دهد روایت‌های سیاسی چگونه در تولید یا تخریب امنیت اجتماعی و ملی نقش‌آفرینی می‌کنند.

پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با امنیت در دهه‌های اخیر دچار چرخشی مفهومی شده‌اند؛ چرخشی که امنیت را نه تنها یک وضعیت عینی و فیزیکی، بلکه پدیده‌ای ادراکی، معنایی و مبتنی بر تفسیرهای جمعی می‌داند. بنیان نظری این تحول در آثار مکتب کپنهاگ شکل گرفته است؛ بوزان، ویور و دیولده (۱۹۹۸) با طرح مفهوم «امنیت‌سازی» نشان دادند که تهدیدات از طریق گفتمان و روایت‌ها ساخته می‌شوند، نه اینکه صرفاً وجودی عینی داشته باشند. این رویکرد، امنیت را فرآیندی معنا ساز معرفی می‌کند که در آن بازیگران سیاسی با برجسته‌سازی گزاره‌ها یا تصاویر خاص، احساس تهدید یا امنیت را تولید می‌کنند.

از سوی دیگر، پژوهش‌های روایت و تحلیل گفتمان نیز نشان داده‌اند که روایت‌ها ابزار اصلی شکل‌دهی به ادراک عمومی هستند و می‌توانند رفتار جمعی و سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهند. هانسن (۲۰۰۶) با بررسی گفتمان امنیتی در جنگ بوسنی نشان می‌دهد که چگونه روایت‌های رسمی، رسانه‌ای و اجتماعی می‌توانند نوعی «چارچوب‌بندی گفتمانی تهدید» ایجاد کنند که در نهایت بر درک مردم از امنیت اثر می‌گذارد. همچنین آثار چزارنیاوسکا (۲۰۰۴) و رو (۱۹۹۴) نقش روایت را در فرایند سیاست‌گذاری و ساخت

واقعیت اجتماعی تبیین کرده‌اند و نشان داده‌اند که سیاست، پیش از هر چیز، رقابت بر سر روایت‌های مسلط است.

در زمینه نقش رسانه‌ها، نظریه برجسته‌سازی مک‌کامبز و شاو (۱۹۷۲) توضیح می‌دهد که رسانه‌ها با تعیین موضوعات مهم و برجسته، ادراک مردم از تهدید یا امنیت را شکل می‌دهند. این اثر در پژوهش‌های جدیدتر با موضوع «اقتناع‌روایی» (Salmon & Kurlander, 2020) توسعه یافته است و نشان می‌دهد که روایت‌ها به طور مستقیم بر احساسات، باورها و رفتارهای جمعی تأثیر می‌گذارند. ووداک (۲۰۱۵) نیز با تحلیل گفتمان پوپولیستی نشان می‌دهد که چگونه روایت‌های سیاسی مبتنی بر ترس، احساس ناامنی را تقویت و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کنند.

پژوهش‌های داخلی در زمینه امنیت اغلب بر تحلیل گفتمان، بازنمایی تهدید و نقش سازه‌های معنایی در شکل‌گیری نگرش‌های امنیتی متمرکز بوده‌اند. هرچند مفهوم «امنیت‌روایی» به طور مستقل کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است، اما مجموعه‌ای از پژوهش‌ها به طور غیرمستقیم زمینه نظری این مفهوم را در ج.ا.ایران فراهم می‌کنند. برای نمونه، حمیدیان و عباسی (۱۴۰۲) در پژوهشی با تحلیل گفتمان انتقادیِ بیانیه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی جمهوری اسلامی، نشان داده‌اند که مفاهیمی همچون «نفوذ»، «دشمن»، «تهدید نرم» و «مقاومت» عناصر ثابت و تکرارشونده در ساخت گفتمان امنیتی ج.ا.ایران‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت در فضای سیاسی ج.ا.ایران از خلال ساختارهای معنایی و روایت‌های غالب بازتولید می‌شود و نه صرفاً از طریق شاخص‌های عینی قدرت.

مرادی، عبدالله‌زاده و ذاکریان امیری (۱۴۰۱) نیز در تحلیلی گفتمانی از سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی در غرب آسیا، استدلال می‌کنند که سیاست امنیتی ج.ا.ایران مبتنی بر «منظومه معنایی» خاصی است که از طریق روایت‌های ایدئولوژیک و هویتی بازتولید می‌شود. این مطالعه تأکید دارد که روایت‌سازی درباره تهدیدات منطقه‌ای نقش مهمی در صورت‌بندی سیاست امنیتی دارد و در واقع، امنیت در سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران محصول رقابت معنایی و روایی میان بازیگران مختلف است.

در سطح نظری، مطالعاتی مانند اثر ولی‌پور زرومی (۱۳۹۹) با عنوان «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ج.ا.ایران» نشان می‌دهد که امنیت ملی در ج.ا.ایران به شدت تحت تأثیر گفتمان‌های سیاسی حاکم است. این اثر با بررسی دوره‌های مختلف پس از انقلاب، نشان می‌دهد که روایت‌های مسلط سیاسی، نحوه تعریف تهدید، اولویت‌های امنیتی و حتی راهبردهای مواجهه با بحران را تعیین می‌کنند. همچنین، افتخاری (۱۳۹۷) در کتاب «استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ج.ا.ایران» ابعاد نرم‌افزاری و گفتمانی امنیت ملی را برجسته کرده و تأکید می‌کند که امنیت ج.ا.ایران بیش از آنکه صرفاً متکی بر مؤلفه‌های سخت باشد، بر سازوکارهای معنایی و گفتمانی استوار است.

در حوزه مفاهیم جدیدتر، صادقی‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت سوژه‌مبنا» نشان داده است که امنیت باید از منظر «سوژه» و ادراکات او تحلیل شود، نه فقط از منظر ساختار دولت. این نگاه، زمینه نظری مناسبی برای فهم «امنیت روایی» فراهم می‌کند، زیرا بر اهمیت معنا، ادراک و روایت در تجربه امنیت تأکید دارد. همچنین، پوستین‌چی، متقی و عراقی (۱۴۰۲) با استفاده از روش نشانه‌شناسی سیاسی، ساختار معنایی امنیت در سیاست داخلی ج.ا.ایران را بررسی کرده و نشان داده‌اند که چگونه نشانه‌ها و نمادهای گفتمانی، تجربه امنیت و رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در نهایت، پژوهش‌های اخیر درباره تهدیدات نوین نیز دارای عناصر روایی هستند. برای مثال، نصیری، ترابی و رضایی (۱۴۰۴) در تحلیل تهدیدات سایبری، نشان داده‌اند که چگونه بازنمایی رسانه‌ای و گفتمان سیاسی درباره جنگ سایبری، خود به عنوان بخشی از فرآیند امنیت‌سازی عمل می‌کند. در این مطالعات، امنیت یک پدیده «معناساز» تلقی می‌شود که از طریق روایت‌ها شکل می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

۱. مقدمه‌ای بر تحول مفهوم امنیت

مفهوم امنیت در ادبیات علوم سیاسی از دهه ۱۹۸۰ به بعد دچار چرخش paradigmatic شد؛ به طوری که از چارچوب‌های سنتی مبتنی بر قدرت سخت و تهدید نظامی، به سمت برداشت‌های ادراکی، گفتمانی و معنابنیاد حرکت کرد. این تحول ریشه در نقدهایی

داشت که نسبت به محدود بودن رویکردهای کلاسیک مطرح می‌شد؛ به‌ویژه این نقد که امنیت نه صرفاً یک وضعیت بیرونی بلکه محصول برداشت، نگرش، روایت و تجربه کنشگران است. در نتیجه، امنیت به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی و برساخته اجتماعی مطرح شد که فرایندهای زبانی، فرهنگی و شناختی نقش مهمی در تولید آن دارند. این زمینه معرفتی راه را برای ورود مفاهیمی چون امنیت‌سازی، امنیت ادراکی و در نهایت امنیت روایی فراهم کرده است. پژوهش حاضر نیز بر این چرخش مفهومی تکیه دارد و تلاش می‌کند سازوکارهای روایی تولید امنیت را در گفتمان سیاسی ج.ا.ایران بررسی کند.

۲. روایت به‌عنوان سازوکار تولید معنا در سیاست

روایت^۱ در علوم سیاسی ابزاری برای سازمان‌دهی تجربه، معنا بخشی به رویدادها و جهت‌دهی به ادراک سیاسی محسوب می‌شود. روایت‌ها بر مبنای ساختارهای معنایی‌ای شکل می‌گیرند که شامل طرح روایی، کنشگران اصلی، تعارضات، پیام مرکزی و چارچوب اخلاقی هستند. در روایت‌های سیاسی، نقش قهرمان، ضدقهرمان، قربانی، ناجی و عامل تهدید از طریق سازوکارهای زبانی و معنایی تعریف می‌شود و مخاطب از خلال این چینش روایی، واقعیت سیاسی را درک می‌کند.

براساس نظریه‌های روایت‌پژوهی، (افراد و گروه‌ها نه براساس داده‌های واقعی بلکه براساس روایت‌هایی که در اختیار دارند به جهان واکنش نشان می‌دهند. از این منظر، روایت یک «ساخت واقعیت» است نه «بازتاب آن». به همین دلیل، کنشگران سیاسی با استفاده از روایت‌ها، ساختارهای ذهنی جامعه را شکل می‌دهند، جهت می‌دهند یا بازتولید می‌کنند. در حوزه امنیت، این امر اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا ادراک تهدید، احساس خطر، اعتماد یا بی‌اعتمادی، همگی در چارچوب روایت‌هایی که درباره «دیگری»، «تهدید» و «راه نجات» ساخته می‌شود شکل می‌گیرد (Somers, 1992, 67)).

۳. جایگاه روایت در حوزه مطالعات امنیتی

ورود روایت به حوزه امنیت با نقد رویکردهای اثبات‌گرایانه آغاز شد. نظریه پردازانی مانند Roe (۱۹۹۹) و McDonald (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که امنیت صرفاً حاصل قدرت مادی نیست، بلکه فرایندهای گفتمانی و روایی تعیین می‌کنند که چه چیزی تهدید تلقی شود

1. Narrative

و چه چیزی نه. روایت‌ها با تعریف «منبع تهدید»، «گستره خطر»، «چگونگی مواجهه» و «هویت حافظ امنیت»، چارچوبی می‌سازند که در آن امنیت قابل درک می‌شود یکی از مفاهیم کلیدی در این حوزه، امنیت ادراکی است؛ دیدگاهی که امنیت را حالتی ذهنی و شناختی می‌داند. این رویکرد تأکید دارد که احساس امنیت یا ناامنی بیش از آنکه ناشی از واقعیت مادی باشد، حاصل روایت‌هایی است که درباره محیط پیرامون تولید می‌شوند. بدین ترتیب، امنیت به سازه‌ای ذهنی بدل می‌شود که از خلال تجربه روایی شکل می‌گیرد (ROE, 1999:94).

در پژوهش حاضر، روایت نه تنها ابزار تحلیل امنیت، بلکه محور اصلی شکل‌دهی به امنیت تلقی می‌شود. بنابراین، مطالعه امنیت نیازمند تحلیل عناصر سازنده روایت، کنشگران روایت‌ساز، و شیوه‌هایی است که روایت‌ها واقعیت تهدید را سازمان‌دهی می‌کنند.

۴. نظریه امنیت‌سازی و پیوند آن با روایت

در مکتب کپنهاگ، امنیت یک «برساخت گفتمانی» است؛ یعنی یک موضوع وقتی امنیتی می‌شود که کنشگر سیاسی با یک کنش گفتاری آن را «تهدید وجودی» معرفی کند. هرچند نظریه امنیت‌سازی بر زبان و گفتمان تأکید دارد، اما ظرفیت روایی آن نیز بسیار مهم است. کنش گفتاری زمانی موفق است که در چارچوب یک روایت قابل پذیرش قرار گیرد. برای مثال، نسبت دادن یک بازیگر خارجی به «دشمنی تاریخی» یا «تهاجم هویتی»، صرفاً یک گزاره نیست؛ بلکه بخشی از ساختار یک روایت است که پیشینه، پیامد و راه حل را توضیح می‌دهد.

در این زمینه، روایت به عنوان زیربنای امنیت‌سازی عمل می‌کند؛ زیرا کنش گفتاری بدون روایت توانایی اقناع مخاطب را ندارد. بنابراین، هر امنیت‌سازی موفق، در واقع یک «روایت امنیتی» است که از طریق آن تهدید تعریف و راه حل تجویز می‌شود. پژوهش حاضر از همین زاویه، روایت را لایه عمیق‌تر امنیت‌سازی می‌داند (Buzan et al., 1998:197).

۵. گفتمان امنیت و نقش هژمونی معنایی

تحلیل گفتمان، به ویژه در رویکرد انتقادی، امنیت را پدیده‌ای هژمونیک می‌داند؛ یعنی روایت‌هایی که از سوی قدرت سیاسی تولید می‌شود، تلاش می‌کنند معنای

مسلطی از تهدید و امنیت ارائه دهند. در این چارچوب، گفتمان قدرت از طریق نشانه‌ها، استعاره‌ها، تقابل‌ها و بازنمایی‌های خاص، روایت امنیتی مطلوب خود را تثبیت می‌کند. این روایت می‌تواند دشمن را «واقعی‌تر» از آنچه هست جلوه دهد یا بحران را «عمیق‌تر» نشان دهد تا مشروعیت سیاست‌های امنیتی را افزایش دهد (Fairclough, 1995). در مقابل، روایت‌های رقیب نیز تلاش می‌کنند معنای دیگری از امنیت ارائه دهند. رقابت میان روایت‌ها، رقابت میان برداشت‌های متفاوت از تهدید است. بنابراین، امنیت میدان تقابل روایت‌های متعارض است و پژوهش حاضر این رقابت روایی را کانون تحلیل قرار می‌دهد.

۶. چارچوب نظری تلفیقی در پژوهش

بر مبنای ادبیات موجود، پژوهش حاضر یک چارچوب نظری تلفیقی پیشنهاد می‌دهد که سه سطح تحلیلی را به هم پیوند می‌زند:

۱) سطح روایت (Narrative Level)

در این سطح، ساختار روایت، کنشگران اصلی، تعارض روایی، محورهای معنایی، ارزش‌های بنیادین و پیام روایی تحلیل می‌شود.

۲) سطح گفتمان (Discourse Level)

در اینجا، روایت در بستر گفتمانی قرار می‌گیرد؛ یعنی بررسی می‌شود که روایت موردنظر چگونه در نظم معنایی موجود جای می‌گیرد، آن را تقویت یا تضعیف می‌کند و چگونه در میدان قدرت عمل می‌نماید.

۳) سطح امنیت ادراکی (Perceptual Security Level)

این سه سطح، چارچوب نظری جامعی را برای تحلیل «امنیت روایی» فراهم می‌کنند و مبنای اصلی تحقیق حاضر به شمار می‌روند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی-توصیفی است. روش اصلی مورد استفاده، تحلیل گفتمان روایی است که امکان بررسی سازوکارهای معنایی و ساختارهای روایت‌ساز در گفتمان سیاسی را فراهم می‌کند. رویکرد نظری پژوهش مبتنی بر تلفیقی از تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل روایت سیاست‌گذاری و نیز چارچوب

امنیت‌سازی مکتب‌کپنهاگ است. داده‌های پژوهش شامل ۴۵ متن سیاسی، رسانه‌ای و رسمی در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ که به‌طور مستقیم به موضوع امنیت و تهدید اشاره داشتند، به‌صورت هدفمند انتخاب شده است. این بازه به دلیل تراکم رخداد‌های سیاسی-امنیتی و نقش تعیین‌کننده شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی روایت‌های امنیتی انتخاب شده است. شیوه نمونه‌گیری، هدفمند و مبتنی بر انتخاب متونی است که بیشترین نقش را در تولید یا چالش روایت‌های امنیتی داشته‌اند. فرایند تحلیل در سه مرحله انجام می‌شود:

- (۱) کدگذاری مفهومی برای استخراج عناصر معنایی و نشانه‌های امنیتی،
 - (۲) تحلیل ساختار روایت شامل شخصیت‌ها، کنش‌ها، تعارض‌ها و چارچوب‌های معنایی،
 - (۳) تحلیل روایی-گفتمانی امنیت برای شناسایی سازوکارهای تولید یا تضعیف امنیت ادراکی.
- برای افزایش اعتبار، از مثلث‌سازی داده‌ها و بازبینی همتایان استفاده می‌شود.

یافته‌ها

با اتخاذ رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل روایی-گفتمانی، مجموعاً ۴۵ متن سیاسی، رسانه‌ای و رسمی که به‌طور مستقیم به موضوع امنیت و تهدید اشاره داشتند که مواردی از آن‌ها به شرح جدول زیر است:

ردیف	سند	نهاد یا فرد صادرکننده	تاریخ
۱	سخنگوی وزارت کشور: تهدید موجود به‌عنوان تهدیدی چندوجهی، ترکیبی و ادراکی توصیف می‌شود که از سوی کنشگران رسانه‌ای، شبکه‌ای و سیاسی دنبال می‌شود. سخنران تأکید دارد که شکاف میان روایت رسمی و روایت شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش اضطراب عمومی و کاهش انسجام جمعی می‌شود. وی همچنین بر لزوم تقویت روایت رسمی، مقابله با جنگ ادراکی و افزایش سواد رسانه‌ای امنیتی تأکید می‌کند.	سخنگوی وزارت کشور	۱۳۹۷/۳/۴

ردیف	سند	نهاد یا فرد صادر کننده	تاریخ
۲	ماهیت تهدیدات امروز، ساختاری و شناختی است. دشمن به جای مرزهای سرزمینی، ذهن مردم را هدف می‌گیرد.» او توضیح می‌دهد که تهدیدات جدید «سه سطحی» هستند: ۱. سطح ادراکی - تغییر ذهنیت جامعه ۲. سطح رسانه‌ای - بازتولید تصویر بحران ۳. سطح میدانی - تحریک نقطه‌ای وی از عبارت «دشمن شبکه‌ای» استفاده می‌کند و می‌گوید: «دشمن دارای یک ساختار ثابت نیست. رسانه، سیاست، اقتصاد و کنشگر مجازی در یک شبکه واحد عمل می‌کنند.» در ادامه، تحلیلگر به «دوگانه‌سازی هویتی» اشاره می‌کند و آن را یکی از ابزارهای اصلی جنگ روایت‌ها می‌داند. بخش پایانی سخنان او تأکید می‌کند که اگر «انسجام روایی» شکل نگیرد، «ادراک جامعه نسبت به امنیت شکننده می‌شود».	رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش	۱۴۰۲/۳/۲۱
۳	تهدید موجود «ترکیبی» توصیف می‌شود و دبیر شورا با ذکر مثال‌هایی از «عملیات روانی هم‌زمان با عملیات رسانه‌ای» تأکید می‌کند که دشمن به جای مداخله مستقیم، «ادراک جامعه» را هدف گرفته است. وی می‌گوید: «دشمن تلاش دارد با شکل دادن روایت‌های جعلی، احساس ناامنی را در جامعه تقویت کند. این عملیات دقیقاً بر شکاف روایت رسمی و روایت شبکه‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری کرده است.» بخش پایانی سخنرانی بر «لزوم هوشیاری عمومی» و «ضرورت تصمیم‌گیری‌های سریع امنیتی» تمرکز دارد. او هشدار می‌دهد که «عدم انسجام در روایت‌سازی ملی، بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ما».	دبیر شورای عالی امنیت ملی	۱۳۹۸/۸/۲۵
۴	بیانیه با تأکید بر «تحركات سازمان‌یافته در فضای مجازی» آغاز می‌شود و ادعا می‌کند بخش قابل توجهی از محتوای منتشرشده «ماهیت تحریکی و القاگرانه» دارد. در بخش دوم، بیانیه توضیح می‌دهد که چگونه «روایت‌های شبکه‌های اجتماعی» به صورت «منقطع و احساسی» بازنمایی می‌شوند و از این طریق «تصویر اغراق‌آمیزی از ناامنی» ایجاد می‌کنند. در ادامه آمده است: «دستگاه‌های امنیتی بر اساس ارزیابی‌های دقیق، تهدید موجود را ترکیبی دانسته و تأکید دارند که مدیریت ادراک در شرایط بحران، اهمیت حیاتی دارد.» در پایان، بیانیه خواستار «همراهی رسانه‌های داخلی در مقابله با جنگ روایت‌ها» می‌شود.	مرکز اطلاع رسانی وزارت کشور	۱۴۰۰/۱۰/۶

اسناد بالا به صورت هفتمند انتخاب و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. فرایند تحلیل شامل سه مرحله بود، کدگذاری باز و استخراج ۵۵ کد اولیه،

کدگذاری محوری و ۹ مقوله محوری استخراج و کدگذاری انتخابی حول سؤال‌های فرعی که در نهایت به شناسایی هسته معنایی هژمونی امنیت منجر شد.

کدگذاری سوال فرعی یک

شماره کد	کد باز	کد محوری	کد انتخابی
	تهدید ترکیبی	ساخت تهدید	عناصر معنایی و ساختاری روایت‌های سیاسی
	جنگ ادراکی		
	جنگ روایت‌ها		
	تهدید نرم		
	تهدید دائمی		
	دشمن نامشخص		
	چندلایه بودن خطر		
	تهدید در کمین		
	بزرگ‌نمایی خطر		
	بحران سازی رسانه‌ای		
	ما/دیگران	عناصر هویتی	
	نظم/آشوب		
	مقاومت/توطئه		
	هویت تهدید شده		
	انسجام نمادین		
	مرزبندی اجتماعی		
	تصویرسازی دشمن	ساختار روایت	
	استفاده از استعاره‌های امنیتی		
	روایت تک‌ساحتی		
	روایت قطبی		
	روایت اغراق شده		
	اولویت‌گذاری تهدید		

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روایت‌های سیاسی از طریق مجموعه‌ای از عناصر معنایی و سازه‌های روایی مشخص، به شکل‌گیری ادراک امنیت یا ناامنی در جامعه کمک می‌کنند. بررسی کدهای اولیه نظیر تهدید ترکیبی، جنگ ادراکی، جنگ روایت‌ها، دشمن نامشخص، ما/دیگران، روایت قطبی، تصویرسازی دشمن، بحران سازی رسانه‌ای و اولویت‌گذاری تهدید نشان داد که روایت‌های سیاسی در ج.ا. ایران عمدتاً بر مبنای سه سازوکار اصلی شکل می‌گیرند:

۱. چارچوب‌بندی تهدید؛ یعنی ارائه تصویری بزرگ‌شده، مستمر و چندوجهی از خطر که مخاطب را در وضعیت «هشیاری دائمی» قرار می‌دهد.

۲. دوگانه‌سازی هویتی؛ که از طریق ایجاد تقابل‌هایی چون «ما/دیگران»، «نظم/آشوب» و «جامعه مسئول/عاملان بحران» به انسجام درونی و مشروعیت‌بخشی به کنش امنیتی کمک می‌کند.

۳. بازنمایی تک‌ساحتی روایت؛ که با استفاده از استعاره‌های امنیتی، روایت قطبی و تصویرسازی از دشمن، میدان معنایی امنیت را ساده‌سازی و جهت‌دهی می‌کند. این عناصر نشان می‌دهد که روایت‌های سیاسی سازوکارهای فعال معناسازی‌اند و با ساخت چارچوبی مشخص از تهدید، هویت و کنش، ادراک امنیتی جامعه را هدایت می‌کنند. به بیان دیگر، امنیت در این سطح نه صرفاً محصول وقایع بیرونی، بلکه نتیجه برساخت‌های معنایی و گفتمانی است که از سوی نخبگان سیاسی و رسانه‌ها تولید می‌شود.

کدگذاری سوال فرعی (دو)

شماره کد	کد باز	کد محوری	کد انتخابی
	برداشت متفاوت از تهدید	شکاف روایی	تعارض یا گسست میان روایت رسمی دولت و روایت افکار عمومی
	بی‌اعتمادی عمومی		
	اضطراب سیاسی		
	ذهنیت تهدید		
	کاهش تاب‌آوری اجتماعی		
	ناهمسویی ادراکی		

		روایت رقیب	
		بازنمایی متفاوت خطر	
	تضادگفتمانی	تحریف روایت رسمی	
		تکثر روایی	
		چالش مشروعیت روایت رسمی	
		کاهش مشروعیت اقدامات امنیتی	
		ضعف انسجام اجتماعی	
	پیامدهای امنیتی گسست	کاهش اعتماد سیاسی	
		افزایش حساسیت نسبت به تهدید	
		کنش اعتراضی	
		سکوت سیاسی	

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شکاف میان روایت رسمی و روایت‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف امنیت ادراکی در جامعه ج.ا. ایران است. کدهای استخراج شده مانند بی‌اعتمادی عمومی، ناهم‌سویی ادراکی، ذهنیت تهدید، تکثر روایت‌ها و کاهش مشروعیت کنش امنیتی نشان می‌دهد که این گسست نه تنها به دوپتگی اطلاعاتی منجر می‌شود، بلکه موجب شکل‌گیری برداشت‌های متفاوت و گاه متعارض از وضعیت امنیتی می‌گردد.

این وضعیت موجب کاهش تاب‌آوری اجتماعی، افزایش حساسیت نسبت به تهدید، گسترش اضطراب سیاسی و فعال شدن کنش‌های اعتراضی یا انفعالی می‌شود. به بیان دیگر، زمانی که روایت رسمی نتواند با تجربه زیسته مردم یا روایت‌های غالب در شبکه‌های اجتماعی همخوانی پیدا کند، مشروعیت گفتمان امنیتی کاهش یافته و امنیت در سطح ذهنی و اجتماعی دچار فرسایش می‌شود. بنابراین، گسست روایی یکی از کانون‌های اصلی بی‌ثباتی ادراکی و کاهش انسجام اجتماعی در جامعه ج.ا. ایران است.

کدگذاری سؤال فرعی سه

شماره کد	کد باز	کد محوری	کد انتخابی
	تکرار واژگان امنیتی	بازتولید روایت	نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در بازتولید یا تخریب روایت‌های امنیتی
	بازتولید تهدید		
	برجسته‌سازی خطر		
	بازنشر نگران‌کننده		
	روایت بحران محور		
	روایت‌های آلترناتیو	تخریب یا چالش روایت رسمی	
	پروپاگاندا در فضای مجازی		
	تقطیع اطلاعات		
	بمباران اطلاعاتی		
	روایت‌سازی خودجوش		
	تخریب روایت رسمی		
	تولید اضطراب عمومی	نقش رسانه در ادراک امنیت	
	حساسیت‌افزایی سیاسی		
	افزایش نااطمینانی		
	القای تهدید		
	امنیت‌زدایی یا امنیت‌سازی رسانه‌ای		

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقشی دوگانه در بازتولید یا تخریب روایت‌های امنیتی دارند. کدهای مرتبط مانند تکرار واژگان امنیتی، بازتولید تهدید، بازنشر نگران‌کننده، روایت بحران محور، روایت‌های آلترناتیو، تقطیع اطلاعات و پروپاگاندا نشان‌دهنده قدرت رسانه‌ها در شکل دادن به ادراک جمعی‌اند. رسانه‌های رسمی عمدتاً به تقویت روایت رسمی و بازتولید تهدید می‌پردازند؛ درحالی‌که شبکه‌های اجتماعی به دلیل ساختار غیرمتمرکز، سرعت بالای انتشار و ظرفیت احساسی محتوا، به چالش و تخریب روایت رسمی یا تولید «روایت‌های رقیب» تمایل دارند.

این دوگانگی سبب می‌شود که روایت‌های امنیتی در فضای عمومی به صورت هم‌زمان تقویت و تضعیف شوند؛ وضعیتی که به افزایش اضطراب عمومی، نااطمینانی، قطبی شدن برداشت‌ها و شکل‌گیری ادراک‌های کاملاً متفاوت از تهدید منجر می‌شود.

به این ترتیب، رسانه‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده تهدیدها نیستند، بلکه به یکی از کنشگران فعال روایت‌سازی تبدیل شده‌اند و همین امر امنیت را به امر ادراکی-گفتمانی بدل می‌کند.

با استفاده از مبانی نظری یافته در سه محور تحلیل روایی گفتمان امنیتی، تحلیل گفتمانی و تحلیل ادراکی به شرح زیر صورت‌بندی گردید:

۱. تحلیل روایی گفتمان امنیتی: ساختار روایت‌ساز

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایت امنیتی در گفتمان سیاسی ج.ا.ایران طی بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ از یک الگوی نسبتاً ثابت پیروی می‌کند، اما بسته به رخداد‌های سیاسی-اجتماعی، بازآرایی معنایی در آن رخ داده است. تحلیل روایی نشان می‌دهد که این روایت عمدتاً بر یک ساختار سه مرحله‌ای استوار است:

(۱) معرفی تهدید،

(۲) بازنمایی تقابل،

(۳) ارائه راه حل امنیتی.

در مرحله نخست، تهدیدها عموماً با ویژگی‌هایی مانند «غیرقابل اعتماد»، «نفوذگر»، «وابسته به دشمن خارجی»، «پیچیده و چندلایه»، یا «ترکیبی» تعریف شده‌اند. کنشگران تهدیدساز در روایت امنیتی اغلب نه بر اساس هویت عینی، بلکه براساس نقش روایی‌شان معرفی می‌شوند؛ یعنی آنچه جایگاه آن‌ها را تعیین می‌کند، میزان ناسازگاری ادراکی آنها با گفتمان مسلط است. به بیان دیگر، تهدید در روایت امنیتی بیشتر ماهیت معنایی دارد تا مادی.

در مرحله دوم، ساختار روایی مبتنی بر تقابل دوگانه است: «ما» به مثابه نیروی حافظ نظم، و «دیگری» به مثابه عامل بی‌ثباتی. این تقابل نه تنها نقش‌ها را مشخص می‌کند، بلکه الزامات کنشی را نیز تعیین می‌سازد. برای نمونه، «ما» با ویژگی‌هایی مانند مقاومت، بصیرت، ثبات و مشروعیت معرفی می‌شود و «دیگری» با ویژگی‌هایی چون آشوب‌طلبی،

وابستگی یا تهدیدآفرینی. این دوگانه‌سازی یکی از سازوکارهای اصلی روایت‌سازی امنیتی است و مخاطب را در چارچوبی معنایی قرار می‌دهد که در آن تنها برخی کنش‌ها مشروع و قابل دفاع به نظر می‌رسند.

در مرحله سوم، روایت امنیتی معمولاً راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد که یا مبتنی بر تقویت انسجام داخلی است یا افزایش هوشیاری و مقابله با نفوذ. این راه‌حل‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از روایت‌اند و کارکردی هدایتی دارند؛ بدین معنا که روایت تنها وضعیت تهدید را توضیح نمی‌دهد، بلکه واکنش مطلوب در برابر تهدید را نیز تعیین می‌کند.

۲. تحلیل گفتمانی: هژمونی معنایی امنیت

یافته‌های تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که روایت امنیتی در ج.ا. ایران در بستر یک نظم معنایی تثبیت‌شده قرار دارد؛ نظامی که مبتنی بر دو محور است:

(الف) تهدید به عنوان واقعیت مستمر،

(ب) امنیت به عنوان وظیفه‌ای دائماً ضروری.

این چارچوب گفتمانی سبب می‌شود که روایت‌های امنیتی ظرفیت بالایی برای اقناع مخاطبان داشته باشند؛ زیرا از پیش در ذهنیت جمعی جایگاهی تثبیت‌شده دارند. در این گفتمان، امنیت نه یک وضعیت، بلکه یک فرآیند دائمی است که نیازمند مراقبت و واکنش مستمر است.

تحلیل گفتمان نشان داد که طی سال‌های مورد مطالعه، سه استراتژی معنایی اصلی در روایت امنیتی تکرار شده است:

۱. استراتژی تهدیدفضاسازی (Threat Framing)

تهدیدها معمولاً در قالب «تهدیدهای ترکیبی»، «جنگ ادراکی»، «تهاجم رسانه‌ای»، یا «شبکه‌های بی‌ثبات‌ساز» بازنمایی شده‌اند. این بازنمایی‌ها بر ادراک عمومی از خطر تأثیر مستقیم دارند و باعث می‌شوند تهدید حالتی فراگیر و چندساحتی پیدا کند.

۲. استراتژی هویت‌سازی امنیتی (Identity Construction)

گفتمان امنیتی هویت «ما» را دائماً در حالت دفاعی فعال قرار می‌دهد. این هویت‌سازی با تکیه بر مفاهیمی همچون «مقاومت»، «ایستادگی»، «وحدت» و «حفظ

ارزش‌ها» صورت می‌گیرد. این عناصر هویتی، چهارچوب معنایی انگیزشی روایت را تشکیل می‌دهند.

۳. استراتژی مشروعیت بخشی کنش امنیتی (Legitimization)

گفتمان مسلط از طریق روایت سازی، اقدام‌های امنیتی یا سیاسی را به عنوان «ضرورت» معرفی کرده و از این طریق مشروعیت آن‌ها را تثبیت می‌کند. در این چارچوب، اقدام امنیتی همواره پاسخی «ناگزیر» به «تهدید واقعی» تلقی می‌شود. نتیجه اینکه، روایت امنیتی در بستر یک نظم گفتمانی تثبیت شده معنا می‌یابد و همین امر امکان تداوم و فراگیری آن را فراهم می‌سازد.

۳. امنیت ادراکی: پیامدهای روایی و گفتمانی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که روایت‌های امنیتی تأثیر مستقیم و گسترده‌ای بر امنیت ادراکی مخاطبان دارند. یافته‌ها بر اساس کدگذاری مضامین در سه دسته ارائه می‌شوند:

۱. تغییر ادراک تهدید

مخاطبان در مواجهه با روایت‌های امنیتی، تهدید را نه صرفاً براساس داده‌های عینی، بلکه از طریق چارچوب‌های معنایی ارائه شده ادراک می‌کنند. به عبارت دیگر، نوع روایت تعیین می‌کند که کدام پدیده «تهدید» محسوب شود و تا چه اندازه خطرناک تلقی گردد. این امر با افزایش برجستگی مفاهیمی مانند «نفوذ»، «آسیب پذیری ادراکی» یا «بی‌ثباتی مجازی» تشدید شده است.

۲. شکل‌گیری احساس ناامنی یا امنیت

روایت‌هایی که بر تداوم تهدید تأکید دارند، معمولاً موجب افزایش احساس ناامنی می‌شوند، در حالی که روایت‌های مبتنی بر «اراده جمعی» یا «مقاومت» می‌توانند احساس امنیت نسبی ایجاد کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که احساس امنیت بیشتر محصول «اطمینان معنایی» است تا شرایط واقعی محیطی.

۳. جهت‌دهی کنش اجتماعی و سیاسی

روایت امنیتی چارچوبی فراهم می‌کند که در آن برخی کنش‌ها به عنوان «ضروری»، «مقبول» یا «میهنی» معرفی می‌شوند. این امر باعث می‌شود مخاطبان رفتاری همسو

با روایت امنیتی از خود بروز دهند. بدین ترتیب، روایت نه تنها ادراک امنیت را شکل می‌دهد، بلکه کنش امنیتی را نیز هدایت می‌کند.

نتیجه تحقیق و پیشنهادات:

این مطالعه با تمرکز بر نقش روایت‌های سیاسی در شکل‌دهی به امنیت اجتماعی و ملی آغاز شد؛ جایی که امنیت نه یک وضعیت ثابت، بلکه برساخته‌ای معنایی و گفتمانی در تعامل میان کنشگران سیاسی و افکار عمومی فهمیده می‌شود. تحلیل روایی-گفتمانی داده‌ها نشان داد که روایت‌های سیاسی از طریق چارچوب‌بندی تهدید، دوگانه‌سازی هویتی، برجسته‌سازی رسانه‌ای و مشروعیت بخشی به کنش امنیتی، به صورت مستقیم بر ادراک عمومی از امنیت تأثیر می‌گذارند و رفتار جمعی را هدایت می‌کنند.

همچنین مشاهده شد که گسست میان روایت رسمی و روایت‌های تولیدشده در شبکه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف امنیت ادراکی و کاهش سرمایه اجتماعی است؛ زیرا برداشت مردم از تهدید و راه حل با تصویر ارائه‌شده در روایت رسمی همخوانی کامل ندارد. این شکاف روایی اثر خود را در کاهش اعتماد، افزایش حساسیت نسبت به تهدید و تضعیف انسجام اجتماعی نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان دادند که امنیت در بستر روایت‌ها نه فقط تبیین می‌شود بلکه تولید می‌شود؛ یعنی چگونگی تعریف تهدید، تفسیر آن و ارائه راه حل است که میزان احساس امنیت یا ناامنی را تعیین می‌کند. روایت در این معنا، ابزاری برای مدیریت ادراک جمعی، جهت‌دهی رفتار اجتماعی و تثبیت نظم سیاسی-اجتماعی است. در چنین شرایطی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به میدان اصلی رقابت روایی تبدیل می‌شوند و نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتولید یا چالش روایت‌های امنیتی ایفا می‌کنند.

◇ پاسخ به سؤال فرعی اول

سؤال فرعی ۱: عناصر معنایی و ساختاری روایت‌های سیاسی که باعث افزایش یا کاهش امنیت می‌شوند کدام‌اند؟

پژوهش نشان داد که پنج عنصر روایت، بیشترین نقش را در تغییر سطح امنیت ادراکی دارند:

۱. نوع بازنمایی تهدید:

اگر تهدید «ترکیبی، نامرئی و چندلایه» توصیف شود ← ناامنی ادراکی افزایش می‌یابد.
اگر تهدید «قابل مدیریت، محدود و قابل کنترل» معرفی شود ← امنیت ادراکی تقویت می‌شود.

۲. سازوکار دوگانه‌سازی:

تقابل‌های «ما/دیگران» یا «نظم/آشوب» احساس انسجام داخلی ایجاد می‌کند، اما همزمان سطح حساسیت و بدگمانی را بالا می‌برد.

۳. الگوی علت-معلولی روایت:

نحوه توضیح علت تهدید و عامل آن، نقش مهمی در شکل‌دهی احساس امنیت دارد.

۴. استفاده از نشانه‌های عاطفی:

مفاهیم احساسی مثل «نفوذ»، «آسیب‌پذیری»، «جنگ ادراکی» ← ناامنی را افزایش می‌دهد.

مفاهیمی مثل «مقاومت»، «وحدت»، «ثبات» ← امنیت ادراکی را افزایش می‌دهد.

۵. راه حل ارائه‌شده در پایان روایت:

اگر روایت راه حل منطقی، مشخص و قابل اجرا بدهد ← احساس امنیت بیشتر است.

اگر راه حل کلی، مبهم، یا صرفاً هشدارگونه باشد ← اضطراب امنیتی افزایش می‌یابد.

◊ پاسخ به سؤال فرعی دوم

سؤال فرعی ۲: تعارض یا گسست میان روایت رسمی دولت و روایت افکار عمومی چه

اثری بر امنیت ملی دارد؟

بر اساس داده‌ها، گسست روایی موجب سه پیامد مهم برای امنیت ملی می‌شود:

۱. افزایش ناهمسویی ادراکی:

وقتی مردم تهدید را متفاوت از روایت رسمی می‌فهمند، «نقشه ذهنی امنیت» در جامعه

چندپارچه می‌شود. این تفاوت در درک تهدید مانع شکل‌گیری اقدام جمعی مؤثر است.

۲. کاهش مشروعیت اقدامات امنیتی:

اگر روایت رسمی اقناع‌کننده نباشد، اقدام امنیتی به جای اینکه «ضرورت» تلقی شود،

«تحمیل» تلقی می‌شود. این امر می‌تواند به مقاومت اجتماعی یا بی‌تفاوتی سیاسی

منجر شود.

۳. تضعیف انسجام اجتماعی به عنوان رکن امنیت:

روایت‌های رقیب موجب فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد و افزایش کنش‌های مستقل و ناهماهنگ می‌شود.

این وضعیت امنیت ملی را آسیب‌پذیرتر می‌کند. نتیجه اینکه: گسست روایی = گسست امنیتی.

◊ پاسخ به سؤال فرعی سوم

سؤال فرعی ۳: رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چگونه در بازتولید یا تخریب روایت‌های امنیتی نقش ایفا می‌کنند؟

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد رسانه‌ها از سه مسیر اصلی بر روایت امنیتی اثر می‌گذارند: ۱. بازتولید (Reproduction):

با برجسته‌سازی تهدیدها، تکرار کلیدواژه‌ها و استناد به منابع رسمی، روایت امنیتی تقویت و تثبیت می‌شود.

چرخه بازنمایی → افزایش اثرگذاری روایت.

۲. تخریب (Deconstruction):

وقتی رسانه‌های مستقل یا شبکه‌های اجتماعی روایت رسمی را زیر سؤال می‌برند، تعارض روایی شکل می‌گیرد و روایت امنیتی قدرت اقناعی خود را از دست می‌دهد.

۳. رقابت روایی (Narrative Competition):

فضای رسانه‌ای اکنون چندصدایی است؛ روایت رسمی تنها روایت موجود نیست. این چندصدایی موجب: چرخش معنا، تغییر ادراک مخاطب، بازتعریف تهدید می‌شود و امنیت ادراکی ناپایدارتر می‌گردد.

به‌طور خلاصه رسانه‌ها میدان جنگ روایی در حوزه امنیت هستند.

پاسخ سؤال اصلی: سازوکارهای اثرگذاری روایت‌های سیاسی بر تولید یا تضعیف امنیت اجتماعی و ملی چیست؟

بر اساس تحلیل روایی-گفتمانی، روایت‌های سیاسی از سه مسیر اصلی بر امنیت اجتماعی و ملی تأثیر می‌گذارند:

۱. چارچوب‌بندی (Framing) تهدید:

روایت‌های سیاسی نوع تهدید، شدت آن و عامل آن را تعریف می‌کنند. این

چارچوب‌بندی باعث می‌شود شهروندان تهدید را نه بر اساس داده‌های عینی، بلکه بر اساس ساختارهای معنایی روایت‌شده ادراک کنند.

این فرایند، امنیت را «ساخت‌پذیر» می‌کند.

۲. هویت‌سازی (Identity Construction):

روایت‌ها از طریق دوگانه‌سازی «ما/دیگران»، «نظم/آشوب» و «مقاومت/توطئه»، هویت امنیتی جامعه را شکل می‌دهند. هویت‌سازی تعیین می‌کند که چه کنش‌هایی مشروع، ضروری یا تهدیدزا تلقی شوند؛ این امر کنش اجتماعی و سیاسی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. مشروعیت‌بخشی (Legitimization) کنش امنیتی:

روایت سیاسی با ترسیم تهدید به عنوان امری «فراگیر و فوری»، نوع خاصی از کنش امنیتی (مداخله، نظارت، اقدام پیش‌دستانه) را «ضروری» جلوه می‌دهد.

به این ترتیب، روایت نه فقط امنیت را توصیف می‌کند، بلکه «سیاست امنیت» را هدایت و تولید می‌کند. بنابراین روایت سیاسی امنیت را بازنمایی نمی‌کند؛ بلکه آن را می‌سازد.

پیشنهادهای

۱. پیشنهادهای کاربردی (ویژه سیاست‌گذاران و نهادهای امنیتی)

۱-۱. تقویت هم‌راستایی روایی میان دولت و افکار عمومی

یافته‌ها نشان دادند که مهم‌ترین تهدید برای امنیت ادراکی، «گسست روایی» میان

روایت رسمی و برداشت مردم از تهدید است. بنابراین توصیه می‌شود:

روایت‌های رسمی واقع‌بینانه‌تر، شفاف‌تر و با ارائه شواهد روشن منتشر شوند.

از ادبیات مبهم، هیجانی یا اغراق‌آمیز در توصیف تهدید پرهیز شود.

در تدوین روایت‌ها، از متخصصان علوم شناختی، ارتباطات سیاسی و روان‌شناسی

اجتماعی استفاده شود.

۱-۲. نهادینه‌سازی «سواد رسانه‌ای امنیتی» در جامعه

با توجه به نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی روایت‌های رقیب، پیشنهاد

می‌شود:

برنامه‌های آموزشی برای تبیین شیوه‌های تشخیص روایت‌های تحریف شده یا ساختگی اجرا شود.

دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی در این فرایند مشارکت فعال داشته باشند.

سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از ارکان تاب‌آوری امنیتی تعریف شود.

۳-۱. بازطراحی شیوه ارتباطات رسمی در شرایط بحران

برای کاهش اضطراب و افزایش امنیت ادراکی:

پیام‌های رسمی باید سرعت، انسجام، و انسجام مفهومی بیشتری داشته باشند.

امکان پرسش‌گری و پاسخ‌گویی تعاملی فراهم شود.

روایت رسمی باید از «توصیف تهدید» به «ارائه راه‌حل‌های ملموس و قابل اجرا» تغییر

جهت دهد.

۲. پیشنهاد‌های عملیاتی برای رسانه‌ها

- تمرکز بر روایت‌های مبتنی بر داده به جای روایت‌های احساسی.

- ارائه روایت‌های «توانمندساز» که حس کنترل‌پذیری و انسجام اجتماعی را تقویت

کنند.

- ایجاد شبکه‌های خبررسانی سریع، دقیق و تعاملی در بحران‌ها.

- استفاده از زبان غیرتهدیدمحور در مسائل امنیت ملی مگر در مواقع کاملاً ضروری

منابع و مراجع

- افتخاری، ا. (۱۳۹۷). استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ج.ا. ایران. تهران: سازمان انتشارات.
- پوستین چی، م.، متقی، ع.، و عراقی، س. (۱۴۰۲). نشانه‌شناسی امنیت سیاسی ج.ا. ایران در حال گذار. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی.
- حمیدیان، م.، و عباسی، ح. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان امنیت ملی در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی ج.ا. ایران پس از انقلاب. فصلنامه پژوهش‌های سیاست و امنیت.
- رو، ا. (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ج.ا. ایران در غرب آسیا. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ج.ا. ایران.
- صادقی‌زاده، س. (۱۴۰۰). امنیت سوژه‌مبنا؛ در مسیر نظریه‌ای جدید از امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی.
- قربانی، پ.، ترابی، م.، و رضایی، ک. (۱۴۰۴). جنگ سایبری و پیامدهای آن برای امنیت ملی ج.ا. ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ولی‌پور زرومی، ح. (۱۳۹۹). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ج.ا. ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Arendt, H. (1973). The origins of totalitarianism. Harcourt Brace.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). Security: A new framework for analysis. Lynne Rienner.
- Czarniawska, B. (2004). Narratives in social science research. Sage.
- Hansen, L. (2006). Security as practice: Discourse analysis and the Bosnian war. Routledge.
- McCombs, M., & Shaw, D. (1972). The agenda-setting function of mass media. Public Opinion Quarterly, 36(2), 176-187.
- Roe, E. (1994). Narrative policy analysis: Theory and practice. Duke University Press.
- Salmon, C. T., & Kurlander, A. (2020). Narrative persuasion and social influence. Current Opinion in Psychology, 36, 89-93.
- Wodak, R. (2015). The politics of fear: What right-wing populist discourses mean. Sage.

منابع ۴۵ سند انتخاب شده:

- دبیر شورای عالی امنیت ملی (۱۳۹۸، ۲۵ آبان)، سخنرانی درباره ماهیت تهدیدات ترکیبی در ناآرامی‌ها. تهران: شورای عالی امنیت ملی.
- سخنگوی وزارت کشور (۱۴۰۰، ۶ دی)، بیانیه رسمی درباره نقش فضای مجازی در تشدید بحران‌های اجتماعی. تهران: وزارت کشور.
- فرمانده کل نیروی انتظامی (۱۳۹۷، ۹ مهر)، نشست خبری درباره وضعیت امنیت اجتماعی و عملیات ادراکی. تهران: ناجا.

- رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش (۱۴۰۲، ۲۱ خرداد)، تحلیل تلویزیونی درباره تهدیدات شناختی و دشمن شبکه‌ای. تهران: رسانه ملی.
- رئیس سازمان پدافند غیرعامل (۱۴۰۱، ۱۵ مهر)، گزارش تخصصی درباره جنگ ادراکی و ضرورت ارتقای تاب‌آوری ملی. تهران: سازمان پدافند غیرعامل.
- وزیر ارتباطات (۱۴۰۲، ۵ آذر)، اظهارنظر درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در التهاب افکار عمومی. تهران: وزارت ارتباطات.
- رئیس صداوسیما (۱۴۰۰، ۲۵ تیر)، مصاحبه درباره سیاست‌های بازنمایی رسانه‌ای تهدیدات اجتماعی. تهران: سازمان صداوسیما.
- نماینده مجلس (۱۳۹۹، ۱۲ اسفند)، نطق میان‌دستور درباره امنیت ملی و جنگ روایت‌ها. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- فرمانده سپاه تهران (۱۳۹۶، ۲۹ خرداد)، گزارش میدانی درباره تهدیدات ناشی از تجمعات شهری. تهران: سپاه تهران.
- مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور (۱۴۰۱، ۱۸ دی)، بیانیه درباره عملیات رسانه‌ای علیه امنیت عمومی. تهران: وزارت کشور.
- شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۲، ۵ مرداد)، تحلیل رسمی درباره بحران ادراکی و بازنمایی اغراق‌شده تهدید. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.
- فرمانده کل ارتش (۱۳۹۸، ۲۵ آذر)، سخنرانی در جمع فرماندهان درباره تهدیدات چندلایه. تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان اطلاعات کشور (۱۳۹۹، ۸ مرداد) بیانیه درباره عملیات نفوذ رسانه‌ای دشمن. تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱، ۲۴ مهر)، گزارش کارشناسی درباره امنیت ادراکی و جنگ روایت‌ها. تهران.
- وزارت دفاع (۱۳۹۷، ۲۹ آبان)، بیانیه درباره تهدیدات نوین و ضرورت دفاع جامع. تهران.
- معاونت سیاسی صداوسیما (۱۳۹۸، ۱۷ خرداد)، تحلیل درباره دوگانه‌سازی هویتی در رسانه‌های معارض. تهران.
- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰، ۹ آبان)، نشست خبری درباره مدیریت روایت در بحران‌های شهری. تهران.
- مرکز رسانه قوه قضاییه (۱۴۰۲، ۲۰ مهر)، بیانیه درباره بازنمایی نادرست وقایع امنیتی در فضای مجازی. تهران.
- فرمانده بسیج (۱۳۹۹، ۱۵ دی)، اظهارنظر درباره انسجام ملی و تهدیدات ادراکی. تهران.
- مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری (۱۴۰۱، ۳۰ شهریور)، سخنرانی درباره مدیریت بحران معنایی در سطح ملی. تهران.
- مرکز ملی امنیت سایبری (۱۴۰۰، ۱۹ تیر)، گزارش درباره نقش پلتفرم‌ها در بازتولید تهدیدات ادراکی. تهران.

- سازمان اطلاعات سپاه (۱۳۹۸، ۱۱ مهر)، بیانیه درباره شبکه‌های سازمان یافته باز نشر اخبار بحران محور. تهران.
- معاون امنیت داخلی وزارت کشور (۱۳۹۹، ۲۲ خرداد)، تحلیل درباره گسست روایت رسمی عمومی در بحران‌های اخیر. تهران.
- معاونت اجتماعی ناجا (۱۴۰۰، ۷ آبان)، گزارش تحلیلی از تأثیر روایت‌های بحران محور بر احساس امنیت. تهران.
- اداره تحلیل محتوای صداوسیما (۱۳۹۷، ۱۸ دی)، گزارش ویژه درباره بازنمایی تهدید در رسانه‌های بین‌المللی. تهران.
- وزارت امور خارجه (۱۳۹۸، ۳ تیر)، بیانیه درباره عملیات روانی دشمنان خارجی و اثر آن بر امنیت ملی. تهران.
- رئیس پلیس فتا (۱۴۰۱، ۲۹ مهر)، نشست خبری درباره بمباران اطلاعاتی و تولید شایعه در فضای مجازی. تهران.
- دانشگاه دفاع ملی (۱۴۰۰، ۲۳ اسفند)، گزارش پژوهشی درباره تهدیدات شناختی در ایران. تهران.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۴۰۲، ۱۲ مهر)، تحلیل درباره روایت‌های رقیب و اثر آن بر انسجام اجتماعی. تهران.
- سازمان مدیریت بحران کشور (۱۳۹۹، ۲۸ مرداد)، بیانیه مدیریتی درباره نقش روایت‌ها در بحران‌های شهری. تهران.
- مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹۸، ۹ دی)، گزارش درباره تکثر روایی و اثر آن بر امنیت ادراکی. تهران.
- سخنگوی دولت (۱۴۰۲، ۴ اردیبهشت)، مصاحبه درباره ضرورت هماهنگی روایت‌های رسمی در مواجهه با بحران‌ها. تهران.
- وزارت اطلاعات (۱۴۰۱، ۱۰ آبان)، بیانیه درباره فعالیت هسته‌های روایت ساز معارض. تهران.
- سپاه حفاظت انصار (۱۳۹۷، ۱۸ شهریور)، گزارش درباره تهدیدات امنیتی ادراکی در پایتخت. تهران.
- قرارگاه ثارالله (۱۴۰۲، ۹ مهر)، اطلاعیه درباره عملیات شناختی علیه انسجام اجتماعی. تهران.
- سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۹۹، ۲۱ دی)، تحلیل فرهنگی درباره نقش روایت‌های رسانه‌ای در رفتار اجتماعی. تهران.
- دانشگاه آموزش عالی دفاع ملی (۱۳۹۸، ۲۹ اردیبهشت)، گزارش پژوهشی درباره جنگ شناختی. تهران.
- معاونت امنیتی استانداری تهران (۱۴۰۰، ۱۵ آذر)، گزارش درباره بحران‌های شهری و مدیریت روایت. تهران.
- پلیس پیشگیری ناجا (۱۴۰۱، ۲۶ مهر)، نشست خبری درباره مدیریت ادراک عمومی در حوادث امنیتی. تهران.
- رئیس مرکز افکارسنجی دولت (۱۴۰۲، ۲۸ خرداد)، تحلیل درباره نگرش عمومی نسبت به تهدیدات رسانه‌ای. تهران.
- مرکز پژوهش‌های صداوسیما (۱۳۹۸، ۲۹ مهر)، گزارش درباره بازنمایی اغراق شده بحران‌ها در شبکه‌های خارجی. تهران.

- وزارت علوم (۱۴۰۱، ۱۰ اسفند) بیانیه درباره نقش نخبگان در مقابله با جنگ روایت‌ها. تهران.
- فرمانده قرارگاه سایبری ارتش (۱۴۰۰، ۱۱ دی)، گزارش درباره تهدیدات سایبری ادراکی. تهران.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۹، ۸ آذر) تحلیل درباره نقش رسانه‌های فراملی در بازتولید تهدید. تهران.
- رئیس پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۴۰۲، ۱۴ مرداد)، گزارش درباره تأثیر روایت‌سازی قضایی بر امنیت ادراکی. تهران.
- مستندات داخلی وزارت کشور (۱۳۹۸، ۱۹ فروردین) مجموعه اسناد درباره تهدیدات ادراکی در ناآرامی‌ها. تهران.